

پنجاه سال علم و ادب

# تقاسمی و گرافیکی

● درباره طراحی روی جلد  
(گفتگوی فیروزه صابری با مرتضی ممیز)

# طراحی روی جلد

## گفتگوی فیروزه صابری با مرتضی ممیز

در سال ۱۳۷۰ که زمینه چاپ این کتاب آماده می‌شد طبق روال معمول صفحات آغازین دیگر کتابهایم، این گفتگو را با همسرم فیروزه صابری درباره موضوع طراحی روی جلد انجام دادم و مثل همیشه در مقابل سئوالات و کنجکاوی‌های او توانستم ذهنیاتم را مدون و جمع‌بندی و تا حدودی قابل استفاده برای نسل‌های بعدی نمایم. متن حاضر بخشی کوتاه از گفتگوی اصلی آغازین کتاب «طراحی روی جلد» است.

از این بابت همیشه مدیون او هستم. روانش شاد. مرتضی ممیز

۲۸۲

— در میان آثار گرافیک شما، طراحی جلد چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت جای چشمگیری را

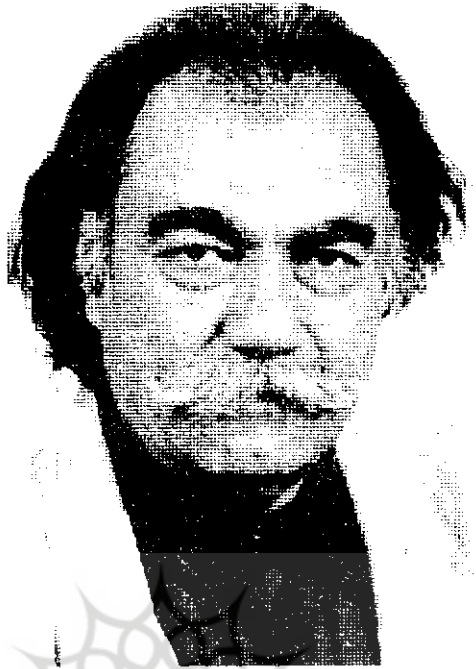
دارد و این نکته نشان می‌دهد که شما علاقه خاصی به این زمینه از کارتان دارید.

— در واقع میزان کمیت کارها در هر زمینه‌ای، بستگی به چگونگی ارجاع آنها به من را داشته است و اگر در زمینه‌ای کار کمتری کرده‌ام، دلیل آن نیست که به آن بخش از حرفه‌ام بی‌علاقه بوده‌ام، شخصاً خیلی علاقه دارم در زمینه‌های گوناگون حرفه گرافیک کار و جستجو کنم، به دو دلیل:

اول آن که بینم و بدانم چگونه باید از پس مشکلات متنوع این حرفه برآیم و نتیجه را به صورت یک اثر خوب منعکس کنم.

دوم آن که بتوانم موضوع و بُعدهای تازه‌ای از حرفه‌ام را مطرح کنم و این دومی، برایم نکته بسیار دلچسبی است به همین دلیل در کنار حرفه‌ام کار تدریس گرافیک را هم انتخاب کردم و سالهاست که ادامه‌اش می‌دهم.

فکر می‌کنم خرج نکردن اطلاعات و تخصص باعث گنبدیگی ذهن شخص خواهد شد لذا باید همیشه اطلاعات خود را مطرح کرد و در دسترس دیگران قرار داد و به این ترتیب عادت می‌کنید تا مغزتان مرتب کار مثبت کند و فکرها و ایده‌های تازه‌ای در شما جوانه بزند و جایگزین اطلاعات قبلی شما گردد. این امر سبب هیجان خاصی در زندگیتان می‌شود و به شما



• استاد مرتضیٰ میر

لذتی سیال و تمام نشدنی می‌دهد و همیشه احساس تازگی و زندگی خواهد کرد.

— می‌توان جلدهایی را که طراحی کرده‌اید از جهت کیفیت به درجات متعددی تقسیم کرد و این امر

آیا به این معنی است که آن تولید مثبت مورد نظر شما همیشه یکسان نیست؟

— یک اشتباه عمومی وجود دارد و آن اینست که همه یک نوع اندازه و معیار برای سنجش خوبی و بدی همه کارها در همه ایام دارند در حالی که در عمل و واقعیت قضیه گونه دیگریست و شرایط بسیار گوناگونی سبب تصمیم‌گیری‌ها، اعمال، رفتار و برخوردهای متنوعی می‌گردند که هر کدام در مقطع و یا چهارچوب زمانی خود شاید بسیار سنجیده و درست باشند و هر کدام حاوی بار مثبت خاص خودشان باشند. همه جزئیات مسائل شبیه هم نیستند و نتایج حاصله از آن‌ها نیز مشابه یکدیگر نخواهد بود و نمی‌توان ارزش‌های آن‌ها را با هم مقایسه‌ای دقیق کرد.

— اولین جلد کتاب را چه زمانی طراحی کردید؟

— به گمانم سال ۱۳۳۰ بود؛ روی جلد کتاب «دکتر جکیل و مستر هاید» رابرت لوئیس استیونسن بود که نمی‌توان اسمش را طراحی جلد گذاشت. اما اولین جلدی که طراحی کردم «گنجینه دیوان نشاط اصفهانی» بود در سال ۱۳۳۶ و بعد «زندگانی من» نوشته «احمد کسروی» و بالاخره تا امروز.

— بعد گویا بیشتر به کار روزنامه و مجله پرداختید و برای آنها طراحی جلد کردید.

— به ترتیب تاریخ برای مجله‌های «کتاب هفته»، «کاوش»، «فرهنگ»، «رودکی»، «فرهنگ و زندگی» شماره‌های اول «سینما»، «دنیای سخن» و این آخری‌ها «کلک»، «نگاه نو» و «گفتگو»، و به همراه اینها روی جلد‌هایی را که در این کتاب آورده‌ام، ساختم.

یکی از وظایف طرح جلد آن است که جلب نظر بیننده و خواننده را بکند و او را به خرید کتاب ترغیب نماید. در نتیجه طراح باید طوری طراحی کند که با روحیات و حساسیت‌های جامعه به خوبی ارتباط برقرار کند و این امر بستگی به آشنائی و تجربه طراح با فرهنگ و مردم جامعه دارد.

طراحی جلد به مانند سخن گفتن است. شما باید طوری حرف بزنید که گیرائی، فصاحت و تازگی کلام داشته باشید و مستمع را بر سر شوق آورید و این کار پختگی می‌خواهد.

— آیا طراحی جلد در عرضه و محبوبیت کتاب موثر است یا عوامل دیگری در این مورد وجود دارد؟  
— طراحی جلد در عرضه و محبوبیت کتاب موثر است اما محبوبیت کتاب مربوط به متن آن است. روی جلد ۲۵٪ در موفقیت کتاب نقش دارد و ۷۵٪ بقیه بستگی دارد که نویسنده و یا مترجم سرشناس باشد یا نباشد. اگر یکی از آن‌ها سرشناس باشد درجه نسبت به نحوی تغییر می‌کند.

می‌توان جدولی را برای موفقیت کتاب به شکل زیر مشخص کرد:

روی جلد ۲۵٪

نویسنده سرشناس ۵۰٪ (شهرت، نویسنده دلیل خوبی متن نیز می‌باشد)

پخش خوب کتاب ۲۵٪

روی جلد ۲۵٪

نویسنده ناشناس -

مترجم سرشناس ۵۰٪

پخش خوب ۲۵٪

خوبی کاغذ، حروفچینی، چاپ، لی آوت و صحافی، تاثیر مثبت را در هر مورد بیشتر می‌کند.

— در کتابی برای کودکان تصویرسازی عجیب و غریبی را دیدم که امضای شما را هم در زیر تصاویر، تقلید کرده بودند.

— بله از این اتفاق‌های غم‌انگیز هم برایم افتاده است. گهگاه سفارش دهندگان تصور می‌کنند به صرف پرداخت قیمت کار محق هستند در طرح‌هایم دخل و تصرف و حتی بازسازی کنند و با



۵ طراحی یونیفرم و روی جلد ۱۳۷۱



۵ طراحی یونیفرم و روی جلد ۱۳۶۹

مبت امضای مرا هم در زیر چنین دخل و تصرف‌هایی دوباره قرار دهند.

— حداقل می‌توانید اعتراض کنید.

— کجا و با چه نتیجه‌ای؟

— این‌ها چند درصد از کارهایتان را تشکیل می‌دهند؟ منظورم آن کارهای نقلی و دخل و تصرفی

نیست بلکه آنهایی است که با وجود اشتباهات چاپی، برای خودش هویتی دیگر دارد.

— نمی‌دانم، چون متأسفانه یادم نیست کدام‌ها هستند. وقتی کار از چاپ درمی‌آید چه بد یا

چه خوب، از آن به بعد با این چهره چاپ شده کارتان خو می‌گیرید. حتی ممکن است خودتان

هم آن را به تدریج باور کنید و خراب‌کاری فنی گراور و چاپ به صورت یک خاطره کوچک

غم‌انگیز به ته ذهن شما برود و شاید هم فراموشش کنید.

این امر در تمام امور زندگی ما نیز صدق می‌کند و انسان اکثراً با شرایط موجود، خود را

تطبیق می‌دهد. در غیر این صورت نمی‌تواند سیر برنامه‌ها و اندیشه‌های خود را دنبال کند.

— منظورتان نوعی سازش و کوتاه آمدن است؟

— واقعیت آن است که هر شرایطی را، مستقیم یا غیرمستقیم خود ما به وجود می‌آوریم،

بنابراین باید که دوباره چنان خطائی را مرتکب نشویم؛ پس از آن نباید فرار یا قهر کنیم، باید با

درایت و مطالعه تجربه دیگری را شروع کرد. نوع کیفیت این برخورد نشان می‌دهد که هدف کوتاه



# CARLOS FUENTES ARTEMIO CRUZ DÓD



۲۸۶

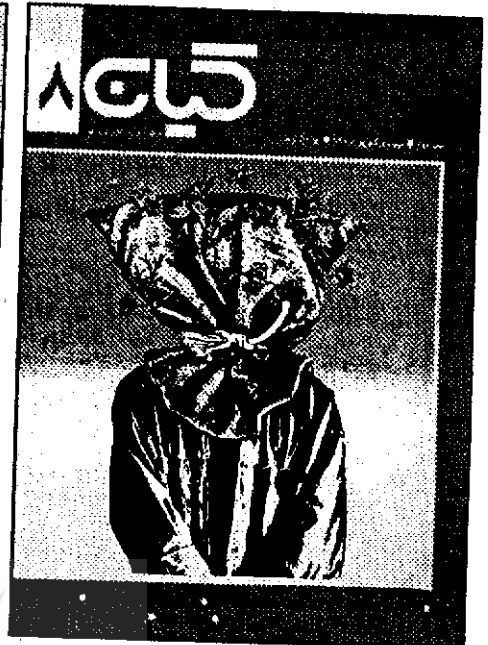
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

RABÉN & SJÖGREN

Malaga



طراحی یونیفرم و روی جلد مجله ۱۳۷۲

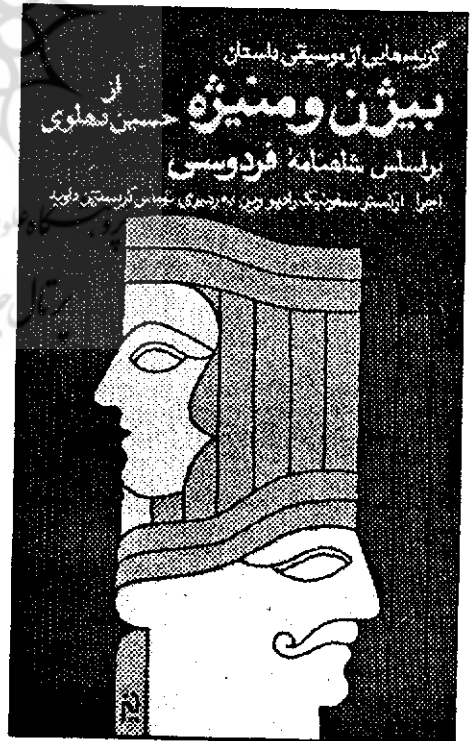


روی جلد نشریه ۱۳۷۱

۲۸۷



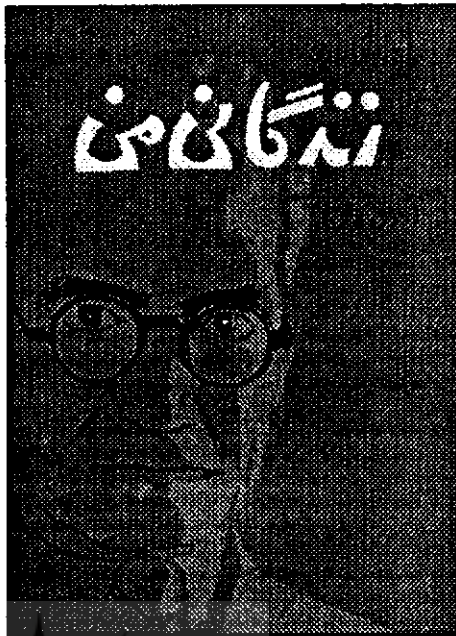
روی جلد ۱۳۴۲



روی جلد کاست ۱۳۷۲



طراحی بونینرم و روی جلد نشریه ۱۳۶۶



روی جلد کتاب ۱۳۳۷

آمدن است و یا تجربه‌اندوزی.

— آیا توانسته‌اید شرایط و کیفیت اجرایی و فنی محیط کارتان را تغییر دهید؟

— در این مورد دیگران باید نتیجه کارهایم را بررسی و ارزیابی کنند که این امر بسیار روشن و ساده میسر است.

— گاهی به نظر می‌رسد طرح شما می‌توانست در حد یک طرح سیاه و سفید، کامل و جامع باشد ولی شما به آن‌ها رنگ‌هایی را اضافه و یا شاید تحمیل کرده‌اید. فکر نمی‌کنید در چنین مواردی عامل رنگ‌آمیزی آزادی عمل شما را محدود می‌کند؟

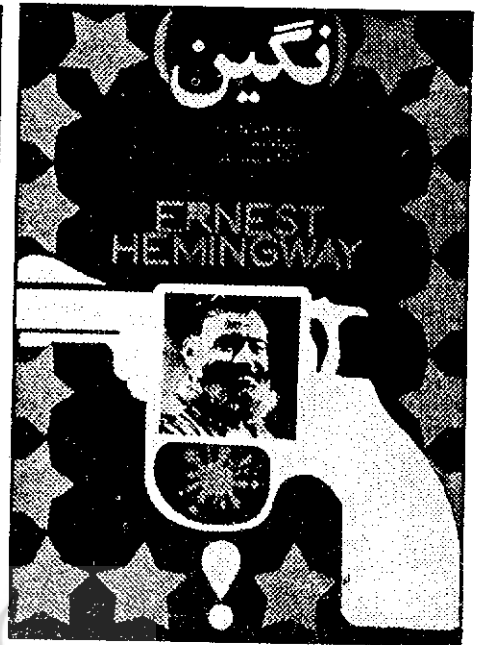
— همان‌طور که می‌گوئید گاهی ایده‌ی کاری، سیاه و سفید در ذهنم به وجود می‌آید و بعد مجبور می‌شوم برای رنگین کردن آن به فکر بیفتم. زیرا در جامعه ما طرح‌های سیاه و سفید برای مصرف‌کننده کافی نیست و خیلی جدی تلقی نمی‌شوند و یا شاید نوعی کم‌کاری و یا سیاه‌مشق به نظر می‌آیند. به این خاطر است که باید همیشه آن‌ها رنگین جلوه داد. اما با این حال خیلی کم اتفاق افتاده که از پس این کار به خوبی برنیایم.

— درست است. از طرفی هم شما همیشه در کارهایتان از تعداد رنگ‌های کمی استفاده می‌کنید. اکثریت آن‌ها با سه رنگ ساخته شده‌اند خیلی کم چهار رنگ را مصرف کرده‌اید و هرگز پنج رنگ مستقل گوناگون در کارهای شما وجود ندارد. اغلب حتی با دو رنگ هم روی جلد رنگینی ساخته‌اید. در





۵ روی جلد کتاب ۱۳۵۰



۵ روی جلد نشریه ۱۳۵۱

انتخاب رنگ‌ها هدف خاصی را دنبال می‌کنید؟

— در مورد مصرف تعداد رنگ‌ها همیشه نوعی صرفه‌جویی مالی را برای صاحب کار در مرحله گراورسازی و چاپ مدنظر دارم. از طرفی هم شخصاً علاقه‌مند به پرگوئی نیستم. می‌شود هر حرفی را ساده و مختصر اما جذاب گفت.

از طرفی دیگر رنگ‌ها را هم براساس زمینه روحی و روانی مضامین کتاب‌ها انتخاب می‌کنم. اما در نهایت منظورم از انتخاب رنگ یک سری فیلترهای رنگی برای خواننده است تا او را ناخودآگاه و به راحتی در میان فضای موضوع قرار دهم و قبل از مطالعه، برایش زمینه روحی آشنائی را فراهم سازم.

